

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

افغانستان در مجموعه بهم پیوسته ستراتیژی‌های منطقی موقف دول همجوار در قبال قوت‌های خارجی در کشور ما هم‌آهنگی دیگر، جزا راه بدترین ناهم‌آهنگی‌ها

آیا کلی‌گویی، نوعی از بیماری فکری محسوب می‌گردد؟
امکانات پیدا و پنهان و زمینه‌های تعاملی و تقابلی
توان ایفای نقش فراتراز وزن کشورهای کوچک
مسیر آرام مناسبات میان کشورهای همجوار

پس از حدود دودهمه جنگ در اراضی کشور عزیز ما، جهان، منطقه و حتا افغانستان در مسیر جدیدی قرار گرفته‌اند. آیا وضعیت کنونی را میتوان بمثابة امیدواری باستقرار صلح، ثبات و تأمین امنیت پایدار در کشور عزیز ما پنداشت؟ آیا برنامه‌های بزرگ اقتصادی که در راه بوده، بمنظور رقابت و کنترل و نظارت مارکیت‌های اقتصادی منطقه و جهان می‌باشد؟ سیر تحول یادشده، اگر بگونه درست و معقول آن، در جهت برقراری ثبات و استقرار صلح دایمی و سراسری در کشور عزیز ما مدیریت گردد، به یقین که میتوان به جنگ‌ها و زد و خوردهای مسلحانه ۴۰ سال پسین نقطه پایان گذاشت. دانستن انگیزه چگونگی تحولات در منطقه و همزمان با آن، منافع کشورهای ذیدخل در آن، امر ضروری پنداشته میشود. بهمین منظور، نیشته حاضر به هدف تجزیه و تحلیل مختصر راه‌ها و وسایل نیل به صلح در کشور اختصاص داده شده است.

در آغاز و قبل از طرح مسایل بمفهوم وسیع کلمه، قابل تذکر پنداشته می‌شود که طی سال ۱۳۹۷ خورشیدی، درخا و رمیانه، سلسله اقدامات و عملکردهایی در عرصه‌های ستراتیژیک سیاست خارجی بسیاری از کشورها انجام پذیرفت، با انجام و اجرای اقدامات اینچنینی، برخی از کشورها با بدست آوردن منافع سیاسی و امتیازات اقتصادی قابل توجهی به بازیکن‌های مطرح و کلیدی بویژه در حل و فصل قضایای منطقه مبدل گردیدند. در این میان، از جمله می‌توان از چگونگی اجرای عملیات نظامی در کارزار سوریه یادآور شد. دفاع و پشتیبانی از جنرال حفتر، افسر نظامی ارتش ملی لیبیا و همچنان، تحکیم مناسبات با دولت مصر که فرصت و امکان استفاده از میدان‌های هوایی آن کشور را بمنظور انجام عملیات نظامی علیه مخالفان مسلح در خاورمیانه مساعد و مهیا نمود، جهت‌های قابل تذکر دیگر در مورد یادشده محسوب می‌گردند.

اما در مورد میهن عزیز باید یادآور که سیرو قایع، نحوه عملکرد و چگونگی موضعگیری فدراتیف روسیه در قبال قضایای کشور ما، مطابق اظهارات مقامات رسمی و حکومتی آن کشور، تطبیق عملی ستراتیژی آن کشور بوده و هرگز محدود به تضمین ثبات محلی نمی‌باشد. فدراتیف روسیه نیز مانند سایر کشورها، ارتباطات و زمینه‌های وسیعی را در کشور ما بمنظور دفاع و حراست از منافعش ایجاد نموده است. در قیاس با ستراتیژی سوریه، روسیه در صدد آن می‌باشد تا در حل و فصل قضایای کشور ما بمثابة بازیکن فعالی نقش ایفا نماید. بنابراین، فدراتیف روسیه بمنظور دستیابی با اهداف ذکر شده، با سرمایه‌گذاران ریهای مختلفی در کشور ما، وسعت اقدامات دیپلوماتیکی گسترده، طرح برنامه‌های فرهنگی و پشتیبانی‌های وسیع مادی و معاونت‌های نظامی را بجانب جمهوری اسلامی افغانستان مبدول نمود. تطبیق ستراتیژی یاد شده در مقایسه با ایالات متحده، برای روسیه نهایت مفید و سودمند واقع گردید. بسیاری از دیپلومات‌ها و نظامیان روسیه که بویژه از تجربیات فراوانی در جنگ‌های سده ۲۰ در کشور ما برخوردارند، به معاونت نظامیان و دیپلومات‌های کشور ما شتافتند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که بتاريخ ۲۴ ماه ثور سال روان، طی جلسه مشاوره وزرای امور خارجه کشور های عضو پیمان همکاری های شانگهای، اولویت های کاری آن سازمان بر شمرده شده و بویژه در مورد عواقب پخش و گسترش ویروس کرونا بحث و مذاکره بعمل آمد. در ضمن، اعضای شرکت کننده، در مورد حل و فصل قضایای مربوط به کشور ما نیز به بحث و مذاکره پرداختند.

در کنار فاکت ها و حقایق موجود، باید به ذکر این واقعیت نیز در مورد حل و فصل قضایای کشور پرداخت که حل صلح آمیز و آبرومندانه قضایای یاد شده، قبل از همه باید بر بنیاد منافع خود افغان ها و در گام ثانی با در نظر داشت منافع و مصالح قانونی کشور های منطقه و نزدیکترین کشورهای همجوار افغانستان، قابل دستیابی پنداشته شود. در حل و فصل صلح آمیز قضایای موجود کشور و عادی شدن اوضاع و تغییر در وضعیت کشور بویژه طی دهه پسین، موفقیت درشت و قابل ذکری بمشاهده نمی رسد. تداوم درگیری ها در اراضی کشور ما، بخودی خود، از ویژگی جهانی بر خوردار گردید که از جمله می توان از تنوع و کثرت شرکت کننده های و چگونگی پیامدهای آن برای گل جامعه بین المللی یادآوری بعمل آورد. نباید فراموش نمود که بگونه واقع بینانه و رئالیستیک به قضایای موجود کشور باید نگاه نمود. در محاسبات موجود و بمثابه نخستین گام، با در نظر داشت منافع و مصالح کلیه شهروندان کشور و مراعات نمودن اصل مصالحه با سایر حکومتها و دول کشورهای منطقه، در زمینه مورد نظر با اقدامات مشخصی باید مبادرت ورزید.

در مورد سردرگمی های دودهه پسین بویژه در عرصه مربوط بحل و فصل سیاسی قضایای موجود در کشور عزیز ما بایست یادآور شد که سیاست پس از جنگ (۲۰۰۲ - ۲۰۱۸) ایالات متحده و ناتو در کشور عزیز ما بابر از حمایت قوت های مسلح جمهوری اسلامی افغانستان در امر مبارزه با مخالفان مسلح کشور ما متمرکز نگردیده که در نتیجه شاهد دستیابی به صلح و امنیت سراسری در کشور نبوده و موفق بحل و فصل قضایای موجود نیز نگردیدیم. علاوه بر آن، تمایلات و اقداماتی بمنظور تشدید درگیری و ظهور تهدیدات گسترده تروریستی جدید نیز عملن بمشاهده می رسد.

بارک اوباما، رئیس جمهور قبلی ایالات متحده طی سال ۱۳۹۳ به خروج و فراخواندن بخش های عمده قوت های نظامی امریکایی از اراضی افغانستان آغاز نموده و ختم عملیات جنگی ایالات متحده در کشور ما را اعلام نمود. اما تطبیق عملی چنین اقدامی، مشکل بنظرمی رسید. با وجود آنکه در تعداد مجموعی کشته شده ها و زخمی ها کاهش بعمل نیامد، شاهد از دیداد روز افزون تلفات افراد و اشخاص بی دفاع ملکی کشور نیز بودیم. بنابراین، ضرورت طرح اتخاذ تدابیر حل و فصل سیاسی زد و خوردها مطرح بحث قرار داده شد.

در مورد ویژه گی های سیر اوضاع کشور باید یادآور شد که مسأله افغانستان، بویژه و قبل از همه برای دونالد ترا مپ مصرف انتخاباتی دارد. رئیس جمهور ترامپ در تمایز با سلفش، در صدد اتخاذ اقداماتی بمنظور انجام مذاکرات و گفتگوها در مورد حل و فصل قضایای کشور ما مبادرت ورزید تا بدینوسیله، طرف های درگیر در زد و خورد های کشور ما، بدور میز مذاکره و گفتگوهای مستقیم رودر رو حاضر گردند. طی ماه اسد سال پار، نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها، در نتیجه ملاقات و گفتگوهای طولانی مدت، طرح جدولی راتصویب نمودند که مطابق آن، قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده باید بگونه تدریجی سرزمین افغانستان را ترک نمایند. در زمینه مسا یل عمومی و نحوه مبارزه با تروریزم نیز تصمیم مشخصی اتخاذ گردید. اما همزمان با آن، طرف های مذاکره کننده در مورد مهمترین مسأله یعنی آغاز مذاکرات مستقیم نماینده های دولت افغانستان با "طالب" ها، به توافق و تفاهمی نایل نگردیدند.

با وجود اینهمه، در نتیجه اقدامات تروریستی ماه سنبله سال پار در کابل، مذاکرات آغاز شده میان امریکایی ها و "طالب" ها توسط دونالد ترامپ متوقف گردیده و مذاکرات یاد شده رامرده محسوب نموده و عقد توافقنامه در مورد را لغو نمود. سه ماه پس از حادثه یاد شده، به هدف آغاز مذاکرات و گفتگوها، تلاش هایی انجام داده شد. اما نتیجه ای بدنبال نداشت.

در جریان زمستان سال پار، مذاکرات و گفتگوهایی میان ایالات متحده و "طالب" ها مجدداً آغاز گردیده و در نتیجه موافقتنامه ای نیز عقد گردید. مطابق بندهایی از توافق حاصله، ایالات متحده متعهد گردید تا در طول مدت زمان ۱۴ ماه (با در نظر داشت وضعیت)، قوت های جنگی و نظامیان آن کشور را از افغانستان فراخواند. مطابق مواد سند متذکره، در ابتدا و آغاز کار، رقم مجموعی نظامیان خارجی در کشور ما باید بتعداد ۸۰۶ هزار تن کاهش یابد. بگونه قطع باید متوجه بود که اهمیت دور مذاکرات یاد شده و امضای توافقنامه مورد بحث، سبب ایجاد نگرانی های

دیگری نیز گردید. درگام نخست، روند قبلی مذاکرات امریکایی ها و "طالب"ها را نمیتوان بمتابیه تداوم مذاکرات قبلی محسوب نمود. دستورکار مذاکرات یادشده دستخوش تغییرنگردیده و عمده ترین مسأله مورد بحث در آن را خروج نظامیان امریکایی از افغانستان تشکیل می داد. شتاب و عجله در کار فراخواندن نظامیان ایالات متحده را می توان بمتابیه استفاده ابزاری ترامپ و دستیابی بمؤقتیت هایی در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری ایالات متحده پنداشته و هرگونه نتیجه مثبت در مسیر سیاست خارجی، برای نامبرده از اهمیت منحصر بفردی برخوردار میباشد. درگام بعدی، عمده ترین تجربه ای که از عقد مؤاقتنامه بدست آمد، برای دونالد ترامپ، دستیابی و حصول همکاری با طرف مقابل بوده و در صورت عدم تطبیق بندهای مؤاقتنامه متذکره، تداوم مبارزه مستقیم علیه "طالب"ها و کاربرد قوه علیه مخالفان مسلح نیز برای ایالات متحده محفوظ گردیده است.

اما، مذاکرات و توافقنامه های زودگذر، متأسفانه که قادر بر ارائه تضمین امنیت در کشور ما نبوده، اما ممکن درگام نخست به تخفیف تشنج منجر گردد.

و سوم هم اینکه، اداره و اشنگتن اصل دستیابی به توافق را در نوع خود بمتابیه دستاوردی برای آن اداره میندازد. بایست یادآور شد که در شرایط و وضعیت کنونی، بسیاری از بازیکنان خارجی، چه در عرصه منطقه ای و چه در عرصه جهانی، خواهان و طرفدار تثبیت وضعیت و تأمین امنیت در کشور ما می باشند. باید گفت که حتی یک کشور شامل در قضایای کشور ما بمتابیه برنده و دیگری هم به صفت بازنده نباید مطرح بحث قرار گیرد، اما در عوض، توافقنامه در مورد، باید پس از ادغام مشترک صورت عملی بخود اختیار نماید. بنابراین، هرگونه عدم مؤقتیت در تطبیق توافقنامه های به تصویب رسیده، نهایت دردناک بوده و بوجهه، اعتبار و شهرت شخص دونالد ترامپ تأثیر خواهد گذاشت.

و در نهایت امر هم اینکه تاکنون هم گفتگوهای مستقیم و رودر روی نماینده های دولت افغانستان و "طالب"ها، صورت عملی بخود اختیار ننموده است. در مجموع چنین ابراز نظر می گردد که امضای توافقنامه امریکایی ها با "طالب"ها می تواند بگونه نسبی، تحدید عملیات نظامی و جنگی در کشور را بدنبال داشته باشد، اما بهیچوجه نمی تواند بمتابیه تضمینی برای امنیت پایدار در سراسر افغانستان مبدل گردد.

در کنار سیاست ایالات متحده در مورد کشور ما و بویژه درباره حل و فصل قضایای موجود، چندی قبل، شاهد احیای فعالیت ها و اقدامات حکومت های منطقه و فرمانطقه نیز بودیم. بدین ترتیب، همه ناظر آغاز یکار جلسات مشاوره کشورهای شش گانه بشمول افغانستان، روسیه، چین، پاکستان، ایران و هند در مورد ایجاد چهار چوکات مشوره در مسکو بودند.

پس از نخستین نشست گردهمایی مسکو در مورد حل و فصل قضایای کشور ما که در آن بتعداد ۱۱ تن از معاونان وزرای امور خارجه کشورهای افغانستان، روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند، قزاقستان، تاجیکستان، قرغیزستان، ازبکستان و ترکمنستان شرکت ورزیده بودند، در مورد مسایل و موضوعات مورد بحث باخذ تصامیم و فیصله های مهمی نایل گردیدند. در این میان باید متذکر گردید با وجود آنکه ایالات متحده از نبود و عدم موجودیت سترا تیژی مشخص در مورد کشور ما در عذاب همیشگی بسر می برد، اما نماینده های آن کشور از شرکت در کار نشست یاد شده نیز خودداری بعمل آوردند.

دو سال قبل نیز دومین جلسه نشست مشاوره مسکو در مورد کشور ما با شرکت نماینده هایی از افغانستان، روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند، قزاقستان، قرغیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ایالات متحده گشایش یافت. برای نخستین بار بود که نماینده های دفتر سیاسی "طالب"ها در دوحه نیز در کار جلسه سران کشورها شرکت ورزیدند. نماینده های شورای عالی صلح کشور به نمایندگی از افغانستان و بمتابیه واسطه ای میان طرف های شرکت کننده (دولت و "طالب"ها) در کار نشست یادشده سهم ورزیدند. طی ماه دلو سال قبل نیز رهبران جنبش قبلی "اتحاد شما ل" همراه با عده ای از مجاهدین در مسکو باهم دیدارهایی بعمل آوردند.

بایست یادآور شد که بسیاری از کشورهای منطقه بگونه طبیعی در صدد بهبود موقف سیاسی شان در کشور ما می باشند. طی سال های ۹۰ سده پسین، فدراتیف روسیه با در نظر داشت واقعیت های موجود، از اصل حل و فصل قضایای کشور ما با استفاده از قوه قهریه دوری ورزید. در اوایل سده روان، سیاست خارجی روسیه در مورد مسایل کشور ما بر پیگیری و حفظ توازن (شمال و جنوب) متمرکز بود. ده سال پس از آغاز سده حاضر بود که فعالیت های روسیه در مورد حل و فصل قضایای کشور ما، بیش از پیش وسعت قابل ملاحظه ای کسب نمود.

نباید فراموش نمود که با فراخواندن قوت های نظامی ایالات متحده از کشور ما، ضرورت تقویه زیر ساخت های

نظامی و اقتصادی افغانستان باید در دستور کار قرار داده شود. چه، خطرات وسعت و گسترش اقدامات تروریستی و قاچاق مواد مخدر را هنوز هم باید بمتابه تهدیدهای بالقوه در کشور محسوب نمود.

چندان بی مورد نخواهد بود تا در مورد اعلامیه مشترک نشست نماینده های روسیه، چین، ایران و پاکستان در مورد افغانستان یادآور شویم که بتاريخ ۲۹ ماه ثور سال روان، نماینده های ویژه فدراتیف روسیه، جمهوری مردم چین، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان در مورد اوضاع مربوط به کشور عزیز ما از طریق مشوره های ویدیویی، در مورد وضعیت کنونی و چگونگی سیرپروسه مصالحه ملی کشور ما به گفتگو و تبادل نظر پرداختند.

نماینده های ویژه کشورهای یادشده، در مورد افغانستان، بگونه کلی فیصله بعمل آوردند تا:

۱- با استقلال، غیر وابسته بودن و تمامیت ارضی کشور ما و بانتهاب آزاد و مستقلانه مردم و شهروندان کشور ما در تعیین و انتخاب انکشاف کشور، احترام قایل گردند؛

۲- از امضای موافقتنامه میان طرفهای عمده درگیری در کشور ما استقبال نموده و در مورد آغاز گفتگوهای میان افغانی ابراز خوشبینی می نمایند؛

۳- به پشتیبانی کامل و همه جانبه شان از پروسه ملی آغاز شده در کشور تأکید بعمل آورده خاطر نشان نمودند که با تدویر مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، پروسه مصالحه در کشور به نتایج ارزنده ای منتج گردیده و زمینه های رفع و از میان برداشتن درگیری های نظامی فراهم گردد؛

۴- بهمه گروه های قومی و احزاب سیاسی و همچنان به "طالب" ها نیز در مورد آغاز هرچه زودتر مذاکرات میان افغانی فراخوان دادند؛

۵- تلاش های جمهوری اسلامی افغانستان بمنظور دستیابی به صلح و مصالحه و دفاع از قانون اساسی کشور و دفاع از حقوق زنان را مورد تأیید و پشتیبانی قرار دادند؛

۶- در مورد انکشاف بعدی اوضاع، بویژه پس از فراخوانی قوت های نظامی خارجی از کشور ما و تغییر کلی اوضاع نیز تصمیم هایی اتخاذ گردید؛

۷- از آزادی زندانی ها و تمامی اشخاص و افراد تحت نظارت، پشتیبانی بعمل آوردند؛

۸- آرزومندی شان را بمنظور تطبیق و اجرای عملی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، ابراز نمودند؛

۹- پشتیبانی همه جانبه شان را از طرح آنتونیو گوتش سرمنشی سازمان ملل در مورد قطع آتش در سراسر اراضی افغانستان اعلام نمودند؛

۱۰- بادر نظر داشت تهدیدهای تروریستی موجود در کشور، از تمامی افغان ها تقاضاً بعمل آوردند تا بگونه قا طعانه علیه "القاعده"، "داعش" و سایر گروه های تروریستی بین المللی که برضد دولت ها و حکومت های منطقه وارد اقدامات خرابکارانه می گردند و همچنان علیه باندهای خطرناک مافیایی مواد مخدر، به مبارزه قاطعی مبادرت ورزند؛

۱۱- پشتیبانی و همکاری و مساعدت کامل خویش را در امر مبارزه با کرونا و جلوگیری از پخش و گسترش آن و در امر مبارزه علیه ویروس کوید-۱۹ و ارائه کمک های بشردوستانه ب مردم افغانستان و همچنان در مورد ادغام مجدد مخالفان مسلح کشور و عودت و جابجایی مهاجران بمتابه بخشی از پروسه ملی، یاددهانی بعمل آوردند.

مهمترین مسأله قابل بحث، در عرصه انکشافات داخلی در کشور عزیز، از جمله یکی هم امضای توافقنامه تقسیم قدرت میان غنی و عبدالله می باشد که ممکن امیدواری ها درباره تدویر مذاکرات میان افغانی از قوه بفعال مبدل گردد.

همه باین واقعیت آگاه و مدلل میباشند که مذاکرات و ملاقاتهای میان افغانی بمتابه یگانه وسیله حل و فصل اختلافات و زد خورد های کنونی در کشور ما پنداشته می شود. مطابق مواد مندرج در موافقتنامه عقد شده پسین، عبدالله پس از این ریاست شورای عالی مصالحه را عهده دار گردیده و اعضای شورای یادشده نیز در جلسه شورای وزیران تعیین خواهند گردید. بسیاری ها تقسیم قدرت در کشور و توافق اخیر میان آندو را بمتابه "زوال دموکراسی" و "کویدین میخ برتابوت دموکراسی" محسوب نمودند. چنین استنباط میگردد که در گوشه ای از ارگ، غنی و عبدالله به تقسیم قدرت مبادرت ورزیدند کاین در نوع خود، صدمه بزرگی به ساختار نظام و نهادهای دموکراتیک در جامعه وارد نموده و عمر دموکراسی نوپا در کشور را کوتاه و کوتاهتر خواهد نمود.

یکشنبه ۴ ماه جوزای سال ۱۳۹۹ خورشیدی